

برآورد میزان تأثیرپذیری مشارکت زنان از سرمایه‌ی اجتماعی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان درزآب - شهرستان مشهد)

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۱۲/۲۴ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۶/۲۸

صفحات: ۶۹-۹۰

علی اکبر عنابستانی: دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد^۱

Email: anabestani@um.ac.ir

حمید شایان: دانشیار جغرافیای روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: shayan@um.ac.ir

سحر احمدزاده: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: sahmazadeh@yahoo.com

چکیده

فرایند مشارکت زنان در روند تحول جوامع روستایی ایران طی سالیان اخیر روند صعودی به خود گرفته است و انتظار می‌رود با افزایش سطح سرمایه‌ی اجتماعی در این نواحی بر مشارکت‌پذیری این بخش از جامعه‌ی روستایی افزوده گردد. در این مقاله تلاش شد تا میزان اثرگذاری شکل‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی بر فرایند مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف در نواحی روستایی مورد بررسی قرار گیرد. روش تحقیق در این مطالعه توصیفی- تحلیلی است که بخش عمده‌ای از داده‌های آن بر اساس مطالعات میدانی از سطح منطقه جمع‌آوری شده است. جامعه‌ی آماری تحقیق ۱۳۱۵ خانوار که با روش کوکران ۲۵۰ خانوار به عنوان نمونه تعیین و به روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب شده است. یافته‌های مطالعه بر اساس نتایج به دست آمده از آزمون رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که شدت تأثیر متغیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت زنان روستایی ۰/۶۱۰ است که بیانگر تأثیر متوسط و مثبت سرمایه اجتماعی بر مشارکت‌پذیری زنان روستایی می‌باشد. سرمایه‌ی اجتماعی بیشترین تأثیر را در میزان شکل‌گیری انواع مشارکت زنان در روستاها داشته است، به طوری که به تنهایی ۳۸/۸ درصد از تغییرات مشارکت را تبیین می‌کند. از سوی دیگر رابطه‌ی قوی بین سرمایه‌ی اجتماعی و انواع مشارکت در سطح روستاهای منطقه

۱. نویسنده مسئول: مشهد- بلوار وکیل‌آباد- شهرک صدف- صدف ۱۵- پلاک ۳۷

وجود دارد. با توجه یافته‌ها، راهکارهایی شامل تجهیز و سرمایه گذاری در امور اقتصادی روستاها، آموزش زنان و دختران روستایی، تشکیل بانک اطلاعاتی برای شناسایی قابلیت‌های زنان روستایی، ارتقای آگاهی‌های آنان نسبت به حقوق، توانمندی‌ها و استعدادهای خود و مزایای مشارکت در جامعه از طریق آموزش و رسانه‌های گروهی و غیره پیشنهاد شده است.

کلیدواژگان: آگاهی اجتماعی، شبکه‌ی اجتماعی، مشارکت سیاسی، مشارکت اقتصادی، مشارکت محلی و غیررسمی.

مقدمه

امروزه، توجه به کارکرد زنان در فرایند توسعه روستایی در اغلب کشورهای در حال توسعه مورد غفلت قرار گرفته است و این وضعیت معلول وجود زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جامعه است که ورود و مشارکت زنان را در فرایند توسعه محدود و مشکل می‌نماید. در حالی که اغلب نظریه‌پردازان معتقدند که تمامی زنان از جمله زنان روستایی می‌توانند نقش فعالی را در فرایند توسعه داشته باشند. بدیهی است زنان روستایی با نقش‌ها و موقعیت‌های متفاوتی در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های روستایی از جمله کشاورزی سروکار دارند ولی کارایی آن‌ها در توسعه روستایی نادیده گرفته می‌شود و معمولاً به عنوان نیروی کار غیررسمی به حساب می‌آیند.

مشارکت در سلسله‌اموری مستمر و با تحرک، هیأتی پرتحرک متشکل از ارزش‌ها (فرهنگی و اجتماعی) دارد (بیرو، ۱۳۶۶: ۷۸). در واقع ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی به عنوان خمیرمایه کنش میان مردم در تسهیل مشارکت و یا تحدید آن نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر کنش افراد جامعه تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی موجود در آن جامعه می‌باشد. در شکل‌گیری هویت فرهنگی و اجتماعی دو عنصر زمان و مکان نقش عمده دارند و از تجربه‌های تاریخی، شرایط محیطی، شیوه زندگی، عواطف و خلق و خوی و میراث مذهبی نیز می‌توان به عنوان دیگر مؤلفه‌های مهم نام برد (میرحیدر، ۱۳۷۹: ۳۴۵). این در حالی است که امروزه بسیاری از مطالعات صورت گرفته در زمینه مشارکت به ویژه مشارکت روستایی در کشورهای توسعه نیافته بدون در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و مبتنی بر معیار و دستورالعمل‌های تدوینی سازمان ملل می‌باشد که مبنای فکری آن عمدتاً کشورهای توسعه یافته غربی است. با اندکی تأمل بر روند توسعه غرب و متون تدوین یافته در این کشورها متوجه

خلاً مخرج مشترک توسعه در ایران روشن می‌شود. (سریع القلم، ۱۳۶۸: ۴۲). هرگز در تاریخ به اندازه امروز توافق در مورد این که مهم‌ترین پیش‌نیاز توسعه، مشارکت همه انسان‌هاست وجود نداشته است (شادی طلب، ۱۳۸۱: ۱۵). مشارکت در حقیقت امری است که انسان‌های گرفتار در چنگال ناتوانی را به راه توانمندی هدایت کرده، توانایی‌های بالقوه آنان را به فعل رسانده، بر قدرتشان برای بهره‌گیری از زندگی بیفزاید (مجله جهاد، ۱۳۶۵: ۲۳). امروزه اهمیت و ضرورت مشارکت واقعی تمامی اقشار یک جامعه در تمامی سطوح و جوانب مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای دستیابی به یک توسعه پایا مورد پذیرش عام واقع شده است به گونه‌ای که حصول به توسعه واقعی را بدون مشارکت مردمی امکان‌ناپذیر می‌دانند (قلفی، ۱۳۷۸: ۴۴). در این میان زنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور و تأمین‌کننده نیروی انسانی عظیمی، که هم می‌توانند عامل توسعه و هم بهره‌بردار از توسعه تلقی شوند شایسته توجه جدی هستند (رضوانی، ۱۳۸۳: ۲۵۶).

به هر حال با توجه به دیدگاه‌های موجود در زمینه زنان و توسعه، بهبود جایگاه و ارتقای شاخص‌های مشارکت زنان در فرایند توسعه روستایی ضروری است. چنانکه در چشم‌انداز توسعه کشور در افق ۲۰ ساله، ارتقای نقش و جایگاه زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور از جمله اهداف و سیاست‌های کلی محسوب می‌شود (همان: ۲۵۷). از سوی دیگر عدم توجه به این قشر آسیب‌پذیر و وضعیت نامطلوب این بخش از جامعه روستایی می‌تواند بر سایر بخش‌های جامعه و مناطق اثر نامطلوبی داشته باشد، بنابراین با توجه به ضرورت‌های ذکر شده در این مقاله تلاش شده است تا نقش سرمایه‌ی اجتماعی را در شکل‌گیری انواع مشارکت زنان در جامعه‌ی روستایی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در کنار آن توزیع فضایی ارتباط بین این دو متغیر را در سطح محدوده‌ی مورد مطالعه بررسی نموده تا بتوان از نتایج آن به عنوان پایه‌ای برای بررسی‌های بیشتر، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در حوزه‌های روستایی و به ویژه ناحیه‌ی مورد مطالعه یعنی دهستان درزآب شهرستان مشهد استفاده نمود.

پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی بررسی مشارکت زنان روستایی در فرایند توسعه‌ی روستایی و عوامل مؤثر بر آن در سطح روستاهای کشور ما، تحقیقات متعددی صورت پذیرفته است ولی کمتر به مقوله‌ی اثرات سرمایه‌ی اجتماعی بر انواع مشارکت زنان در سطح جامعه‌ی روستایی اشاره شده است. در ادامه نتایج تعدادی از این تحقیقات مورد بررسی قرار می‌گیرد:

کتابی و همکاران (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، حاکی از آن است که عواملی چون افزایش سطح تحصیلات، دسترسی به منابع مالی، بهبود وضع سلامت، برخورداری از حق مالکیت قانونی، رفع تبعیض از بازار کار و حذف باورهای سنتی عوامل مؤثری در توانمندسازی زنان هستند. صفری شالی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی، نشان می‌دهد که پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان از جمله متغیرهای کلیدی است که می‌تواند بر میزان مشارکت آن‌ها تأثیر قابل ملاحظه‌ای داشته باشد یعنی بالا رفتن پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان روستایی میزان مشارکت آن‌ها را به طور فزاینده‌ای بالا می‌برد. خلیلی (۱۳۸۶) در آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران، با شناسایی دو نوع مانع ساختاری و غیر ساختاری مؤثر بر مشارکت سیاسی و اقتصادی زنان نشان می‌دهد که ساختار سیاسی با بهینه‌سازی فرایندهای به‌کارگیری زنان در عرصه‌های مدیریتی می‌تواند عامل شتاب دهنده جهت مشارکت بانوان محسوب گردد. قلفی (۱۳۷۸) در پژوهشی با عنوان تواناسازی زنان در فرایند توسعه روستایی، بر دو مقوله آموزش و مشارکت به عنوان مهم‌ترین و ضروری‌ترین شاخص‌های تواناسازی زنان روستایی تأکید دارد و اشاره‌ای به مهم‌ترین موانع موجود در جریان مشارکت مانند موانع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی و بیولوژیکی دارد. آجیلی و شیرینی (۱۳۸۰) در آموزش زنان روستایی و نقش آن در توسعه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، به این موضوع اشاره کرده‌اند که با وجود نقش و تأثیر مهمی که زنان روستایی در زندگی اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی جامعه دارند اما دسترسی کمتری به امکانات، منابع و فرصت‌های آموزشی و مهارتی دارند.

امیری اردکانی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی، بر موانع عدم مشارکت زنان در برنامه‌های ترویجی که ریشه در مشکلات فرهنگی دارد تأکید می‌کند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به اشتغال زنان، فعالیت زیاد خانه‌داری، بی‌سوادی و کم‌سوادی زنان، تعداد زیاد فرزندان، تمسخر و ایرادهای اهالی روستا و سطح پایین دانش و بینش زنان روستایی اشاره نمود. شاطری (۱۳۸۷) در زمینه‌ها، تنگناها و موانع مشارکت زنان در توسعه، ضمن اشاره به موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر ایجاد شرایط کافی برای آموزش‌های تخصصی برای زنان جهت حداکثر بهره‌برداری از نیروی انسانی در رقابت‌های جهانی تأکید می‌کند. همچنین وی در مقاله دیگری در همان سال با عنوان رویکردهای موجود در مورد نقش زنان در توسعه، با اشاره به رویکردهای فمینیستی، مذهبی، عدالت جنسیتی بر

لزوم ایجاد زمینه کاری برای اشتغال زنان در تمام قشرها و فرهنگ‌سازی در این زمینه تاکید دارد. خانی و احمدی (۱۳۸۸) در تحقیقی در زمینه مشارکت زنان در فعالیتهای کشاورزی، به ویژگی‌های فردی، تعداد فرزندان، ساعات کار، وضعیت کار، نوع کار، درآمد خانوار، مالکیت ارضی، نوع نظام بهره برداری، درجه مکانیزاسیون و ... اشاره نموده‌اند. میرترابی و همکاران (۱۳۸۹) در عامل‌های ارتباطی تأثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای پس از برداشت محصولات کشاورزی بخش آسارا، کرج نشان دادند که رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار بین متغیر وابسته‌ی مشارکت در فعالیتهای پس از برداشت و میزان استفاده از داده‌ها و منابع ارتباطی شامل منابع ارتباطی سازمانی و رسانه‌های جمعی وجود دارد. در تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام منابع و داده‌های سازمانی و منابع ارتباط جمعی، در مجموع ۳۲/۶ درصد از واریانس متغیر وابسته‌ی مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای پس از برداشت را تبیین کردند.

در میان مطالعات خارجی می‌توان به مقاله نقش زنان در توسعه کشاورزی کشور اندونزی اشاره نمود که نویسنده بر عدم دسترسی زنان به سرمایه‌های تولیدی تاکید کرده و آن را به عنوان مانع مشارکت زنان روستایی این کشور در فرایند توسعه قلمداد می‌کند (Azahari, 2008). از جمله تحقیقات دیگر می‌توان به تحقیقی در مورد زنان روستایی کشور نیجریه اشاره کرده محقق ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی زنان را در میزان مشارکت آنان در امور روستا بسیار مؤثر می‌داند (Damisa and Yohanna, 2007). در تحقیق دیگری که به بررسی نقش مشارکت در فعالیتهای اقتصادی زنان در کشور بنگلادش پرداخته است متغیرهای میزان درآمد، میزان آموزش، مهارت‌ها و مشارکت نهادی زنان نقش اساسی را در افزایش مشارکت آن‌ها در فعالیتهای اقتصادی دارند (Hoque and Itohara, 2008).

مروری گذرا بر پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام شده در زمینه مشارکت زنان نشان می‌دهد محورهای عمده مطالعات در بررسی موانع مشارکت زنان شامل: عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سازمانی، حقوقی، سیاسی و آموزشی است. البته تحقیقات انجام شده همواره برخی متغیرهای مربوط به موانع مشارکت زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند. البته لازم به ذکر است تمامی آن‌ها بر لزوم مشارکت زنان جهت دستیابی به توسعه پایدار و توانمندسازی زنان به شیوه‌های مختلف تاکید دارند. پژوهش حاضر با نگاهی به

تحقیقات پیشین سعی دارد با رویکردی جدید اثرگذاری سرمایه‌ی اجتماعی بر انواع مشارکت زنان روستایی در محدوده‌ی مورد مطالعه را شناسایی و مورد ارزیابی و سنجش قرار دهد.

مواد و روش‌ها

محدوده یا قلمرو پژوهش: منطقه مورد مطالعه یعنی دهستان درزآب از توابع بخش مرکزی شهرستان مشهد در استان خراسان رضوی دارای ۴۱ آبادی دارای سکنه با ۳۱۸۹ خانوار و ۱۲۸۹۰ نفر جمعیت می‌باشد. این دهستان از سمت شمال به دهستان کارده از شهرستان مشهد، از سمت شرق به دهستان تبادکان از شهرستان مشهد، از سمت جنوب به دهستان‌های طوس و میان‌ولایت از شهرستان مشهد و از سمت غرب به شهرستان چناران محدود می‌شود، مساحت آن ۵۵۷/۸ کیلومتر مربع و معادل ۶/۱ درصد از کل وسعت شهرستان مشهد را در بر می‌گیرد. (استانداری خراسان رضوی، ۱۳۸۹).

روش تحقیق

روش تحقیق در این مطالعه توصیفی / همبستگی / تجربی است، بخشی از داده‌های تحقیق از طریق مطالعات میدانی و با ابزار پرسشنامه و مصاحبه و بخشی دیگر از داده‌های مورد نیاز مانند چارچوب نظری - مفهومی پژوهش، اسناد و مدارک و سرشماری‌ها از طریق روش کتابخانه‌ای بدست آمده است. جامعه‌ی آماری در این تحقیق شامل تمام روستاهای دهستان بوده که بر اساس فرمول کوکران تعداد ۱۴ روستا با جمعیت ۱۳۱۵ خانوار مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جهت برآورد حجم نمونه از روش نمونه‌گیری شارپ کوکران با سطح اطمینان ۹۵٪ و احتمال خطای ۶٪ به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. بر این اساس برای ارزیابی تأثیرپذیر انواع مشارکت زنان روستایی از سرمایه‌ی اجتماعی در روستاها، تعداد ۲۵۰ نفر (برای زنان ۱۸ ساله و بالاتر) مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند. پس از جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آن‌ها در محیط‌های نرم‌افزاری SPSS, ArcGIS و ... به تحلیل داده‌ها و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شد.

فرضیه‌ی زیر برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق طراحی شده است: «به نظر می‌رسد سرمایه‌ی اجتماعی در شکل‌گیری انواع مشارکت زنان در نواحی روستایی مؤثر بوده است.»

معرفی شاخص‌ها و متغیرها

شناخت بهتر و دقیق‌تر از وضعیت مکان‌های جغرافیایی در زمینه‌های مختلف در سطوح متفاوت مستلزم دسترسی به اطلاعات کامل و پردازش شده از مکان‌های مورد نظر است. برای نیل به این مهم از یکسری شاخص‌ها استفاده می‌شود که این شاخص‌ها می‌توانند سطحی از رشد و توسعه‌ی مکان‌های جغرافیایی را بر اساس معیارهای انتخاب شده نشان دهند (کلانتری، ۱۳۸۲: ۱۱۲). برای محاسبه‌ی پایایی پرسشنامه، ابتدا پرسشنامه بر روی نمونه‌ای به حجم ۲۵ نفر اجرا گردید و سپس ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که مقدار اولیه آن ($\alpha=0/63$) بدست آمد. پس از حذف ۵ سوال، آلفای نهایی به حد قابل قبول رسید که این مقدار پایایی، قابل اعتماد است. این ضریب از عمومی‌ترین ضرایبی است که توسط پژوهشگران علوم اجتماعی برای سنجش پایایی ابزارهای مختلف جمع‌آوری داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. با توجه به مقدار آلفای بدست آمده در بالا برای پرسشنامه‌های مختلف، پایایی پرسشنامه‌ها اثبات می‌شود ($0.5 \leq \alpha \leq 1$).

جدول (۱) بررسی قابلیت اعتماد متغیرهای تحقیق

متغیر	نام شاخص	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی	آگاهی اجتماعی	۵	۰/۷۵
	اعتماد اجتماعی	۵	
	انسجام اجتماعی	۲	
	شبکه اجتماعی	۴	
انواع مشارکت	مشارکت سیاسی	۵	۰/۷۷
	مشارکت مدنی	۸	۰/۶۸
	مشارکت محلی و غیر رسمی	۵	۰/۷۲
	مشارکت مذهبی و انقلابی	۵	۰/۷۴
	مشارکت اقتصادی	۷	۰/۷۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

نتایج و بحث

بررسی شاخص‌های متغیر سرمایه‌ی اجتماعی - برای سنجش تأثیر عوامل مربوط به سرمایه اجتماعی مؤثر بر مشارکت زنان روستایی، از شاخص‌هایی چون میزان اعتماد اجتماعی (در قالب اعتماد رسمی، غیر رسمی و تعمیم یافته)، میزان انسجام اجتماعی (در قالب تضاد و انسجام زیاد)، میزان آگاهی (در قالب آگاهی از حقوق فردی و اجتماعی، وظایف سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مرتبط با روستا، مزایای مشارکت در جامعه و وجود فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی در روستا) و شبکه (در قالب اندازه شبکه شامل شبکه‌های درون گروهی و برون گروهی و فراوانی شبکه‌ها) استفاده شده است.

جدول (۲) ارزیابی میزان آگاهی زنان روستایی از موضوعات اجتماعی پیرامون آن‌ها

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی	*کای اسکوتر
۱	حقوق فردی (مثل حق ارث، نفقه، حق تصرف در دارایی خود).	۰/۸	۳/۶	۲۳/۶	۲۸	۲۲/۸	۲۱/۲	۱/۶۸	۰/۰۰۰
۲	حقوق اجتماعی (مثل حقوق مساوی با مردان، حق زندگی در یک محیط سالم).	۰/۴	۶/۴	۳۳/۶	۲۶/۴	۱۶	۱۷/۲	۱/۹۷	۰/۰۰۰
۳	وظایف سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مربوط به روستا	۰	۶/۵	۱۹/۴	۲۷	۱۹/۸	۲۷/۴	۱/۵۸	۰/۰۰۰
۴	مزایای مشارکت در جامعه	۰/۴	۱۲/۷	۳۳/۱	۲۲/۹	۱۶/۳	۱۴/۷	۲/۱۴	۰/۰۰۰
۵	وجود فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی در روستا	۹/۳	۴۴/۹	۳۴/۴	۲	۱/۶	۷/۷	۳/۳۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

برآورد میزان تأثیرپذیری مشارکت زنان از سرمایه‌ی اجتماعی در نواحی روستایی... ۷۷

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که سطح آگاهی زنان روستایی در مورد حقوق فردی و وظایف سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مرتبط با روستا پایین و سطح آگاهی آنان از حقوق اجتماعی خود و مزایای مشارکت در جامعه متوسط و سطح آگاهی آنان از وجود فعالیت‌های مذهبی و اجتماعی در سطح روستاها زیاد ارزیابی شده است.

جدول (۳) ارزیابی میزان اعتماد زنان روستایی به موضوعات اجتماعی پیرامون آن‌ها

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی	*کای اسکوتر
۱	اخبار شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی	۱۱/۹	۵۷/۴	۲۵/۸	۳/۳	۱/۶	۰	۳/۷۴	۰/۰۰۰
۲	سازمان‌های دولتی و غیر دولتی (مثل شورا، دهیاری و ...)	۳/۷	۱۹/۳	۳۸/۵	۳۱/۶	۶/۱	۰/۸	۲/۸	۰/۰۰۰
۳	اقوام و همسایگان	۳۳/۲	۵۴/۹	۹/۴	۱/۶	۰	۰/۸	۴/۱۷	۰/۰۰۰
۴	ضمانت خویشان و دوستان از نظر مالی	۵/۷	۲۴/۶	۲۶/۲	۲۹/۵	۷	۷	۲/۷۲	۰/۰۰۰
۵	غریبه‌ها و مردم	۰	۰/۸	۱۱/۲	۶/۶	۱۲/۹	۶۸/۵	۰/۶۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

بر اساس جدول ۳ میانگین پاسخ زنان روستایی به گویه‌های مربوط به میزان اعتماد اجتماعی نشان دهنده‌ی میزان زیاد اعتماد رسمی (اعتماد به رسانه‌های گروهی و سازمان‌های دولتی)، میزان زیاد اعتماد غیر رسمی (اعتماد به اقوام، دوستان و آشنایان) و میزان بسیار کم اعتماد تعمیم یافته (اعتماد به غریبه‌ها) در میان پاسخگویان است.

جدول (۴) ارزیابی میزان انسجام اجتماعی از دیدگاه زنان روستایی

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی	*کای اسکوتر
۱	اختلاف روستائیان در روستا با همدیگر	۲	۱۳/۵	۹/۸	۲۹/۹	۲۱/۳	۲۳/۴	۳/۲۵	۰/۰۰۰
۲	احترام و یک‌دلی و یک‌دستی و احترام به ریش سفیدان بین مردم روستا	۳۱/۸	۵۷	۹/۵	۱/۷	۰	۰	۴/۱۹	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

یافته‌های تحقیق بر اساس جدول ۴ بیانگر این مطلب است که زنان روستایی میزان تضاد در درون روستا در سطح کم تا بسیار کم ارزیابی و در مقابل میزان انسجام اجتماعی (احترام به ریش سفیدان و یکدلی و هم‌رنگی) در سطح بسیار زیادی مشاهده می‌شود. بر اساس یافته‌های جدول ۵ ارزیابی زنان روستایی از فراوانی و اندازه شبکه‌های اجتماعی در روستاها، نشان دهنده‌ی فراوانی متوسط شبکه‌های اجتماعی، اندازه‌ی متوسط شبکه‌های درون گروهی و اندازه‌ی کوچک تا بسیار کوچک شبکه‌های بین گروهی در میان آنان است. بر اساس آزمون کای اسکوئر تیپ پیرسون ضریب معنی‌داری برای گویه‌های مربوط به متغیر سرمایه‌ی اجتماعی در سطح ۹۹٪ ارزیابی شده است.

جدول (۵) ارزیابی میزان وجود شبکه‌ی اجتماعی از دیدگاه زنان روستایی

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی	*کای اسکوئر
۱	رفت و آمد با اقوام و دوستان و همسایگان	۷/۱	۲۱/۷	۲۹/۲	۳۸/۳	۳/۸	۰	۲/۹	۰/۰۰۰
۲	راهنمایی اعضای خانواده شما در هنگام نزاع و دعوا از سوی افراد دیگر	۲/۱	۶۶/۸	۵/۴	۱۸/۳	۶/۶	۰/۸	۳/۳۷	۰/۰۰۰
۴	شرکت در جلسات بسیج یا شورا یا انجمن اولیا و یا انتخابات	۳/۷	۲۵	۲۴/۶	۲۲/۱	۱۰/۲	۱۴/۳	۲/۴۷	۰/۰۰۰
۵	ارتباط و تعامل با مروجان کشاورزی و فروشندگان و شورا و دهیاری و ...	۰/۸	۱/۲	۷/۴	۲۸/۷	۳۱/۱	۳۰/۷	۱/۲	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

بررسی انواع مشارکت در بین زنان روستایی - مشارکت عنصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار تلقی شده و از آن به عنوان حلقه گم‌شده فرایند توسعه یاد می‌شود. برای اینکه مشارکت در برنامه ریزی توسعه به عمل درآید، نیازمند وجود سازمان مناسب و الگوی سازمانی است که در آن هر زیر سیستم در جایگاه مناسب خود قرار گرفته باشد. تنها در این قالب می‌توان سازمان مناسب برای درگیر کردن مردم در تعیین سرنوشت خود را ایجاد و تعامل مناسب بین اجزاء مختلف سیستم را برقرار کرد (جمعه پور، ۱۳۸۵: ۷۴). جداول تجزیه تحلیل استخراج شده از پرسشنامه مشارکت زنان روستایی به تفکیک به همراه میزان معنی داری گویه‌ها آمده است. همان گونه که مشخص است تمامی گویه‌ها از سطح معنی داری مناسبی برای تحلیل برخوردارند. به عبارتی بین فراوانی مورد انتظار و فراوانی مشاهده شده ارتباط معنی داری وجود دارد. یافته‌های جدول ۶ جهت بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای سیاسی نشان می‌دهد میانگین مشارکت زنان در انتخابات مختلف بسیار زیاد می‌باشد، اما آنان به صورت بسیار کمی در ستادهای انتخاباتی فعالیت می‌کنند.

جدول (۶) میزان مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای سیاسی

ردیف	انتخابات	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی	*کای اسکوتر
۱	انتخابات رئیس جمهوری	۵۷	۳۶/۵	۳/۳	۰/۸	۰/۸	۱/۶	۴/۴۳	۰/۰۰۰
۲	انتخابات مجلس شورای اسلامی	۵۲/۵	۳۸/۹	۴/۹	۰	۰/۴	۳/۳	۴/۳۳	۰/۰۰۰
۳	انتخابات شورای اسلامی روستا	۵۱/۷	۳۱/۷	۶/۷	۰/۸	۰/۸	۸/۳	۴/۰۷	۰/۰۰۰
۴	انتخابات مجلس خبرگان	۵۳/۳	۳۵/۷	۵/۷	۰/۸	۱/۲	۳/۳	۴/۲۹	۰/۰۰۰
۵	فعالیت در ستادهای انتخاباتی	۳/۳	۰	۲/۸	۱/۹	۱/۴	۹۰/۶	۰/۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

یافته‌های پژوهش در زمینه‌ی بررسی میزان مشارکت مدنی زنان روستایی نشان می‌دهد که اکثریت زنان در روستاهای مورد مطالعه در نهادهای مدنی عضو نیستند. بیشترین درصد عضویت مربوط به عضویت در هیأت‌های مذهبی، بسیج و انجمن اولیا و مربیان است که نحوه عضویت بیشتر زنان، به صورت غیر فعال است.

جدول (۷) نحوه عضویت زنان روستایی در سازمان‌ها و نهادهای مدنی

ردیف	گروه‌ها و نهادها	عضو نیستم	عضو غیر فعال	عضو فعال	مسئول و مدیر هستم	میانگین وزنی	*کای اسکوتر
۱	شورا و دهیاری	۹۸/۸	۰/۴	۰/۸	۰	۰/۰۲	۰/۰۰۰
۲	سازمان‌های صنفی و کارگری	۹۹/۶	۰/۴	۰	۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰
۳	گروه‌های مذهبی (هیأت‌ها)	۸/۸	۵۹/۷	۲۹	۲/۵	۱/۲۵	۰/۰۰۰
۴	شرکت تعاونی تولید یا مصرف	۸۵/۹	۱۲/۴	۱/۷	۰	۰/۱۵	۰/۰۰۰
۵	بسیج (محلّات ، محل کار)	۳۵/۷	۵۱/۵	۱۲/۹	۰	۰/۷۷	۰/۰۰۰
۶	صندوق بیمه کشاورزی	۹۴/۶	۴/۶	۰/۸	۰	۰/۰۷	۰/۰۰۰
۷	سازمان‌های خیریه	۹۵/۹	۳/۳	۰	۰/۸	۰/۰۶	۰/۰۰۰
۸	انجمن اولیاء و مربیان	۵۸/۵	۲۸/۶	۱۲	۰/۸	۰/۵۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

بر اساس جدول ۸ بررسی میزان مشارکت محلی و غیر رسمی زنان روستایی در منطقه‌ی مورد مطالعه نشان می‌دهد که میزان مشارکت محلی و غیر رسمی آن‌ها تقریباً در حد متوسط است. بیشترین میزان مشارکت محلی مربوط به شرکت در مراسم ازدواج و ترحیم و کم‌ترین آن مربوط به شرکت در جلسات شورا است. به طور متوسط زنان یا اصلاً به جلسات شورا دعوت نمی‌شوند یا میزان شرکت آنان بسیار کم است.

جدول (۸) بررسی مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های غیر رسمی و محلی

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی	*کای اسکوتر
۱	شرکت در جلسات شورا	۰/۸	۰	۰/۸	۲/۵	۰/۸	۹۵	۰/۱۲	۰/۰۰۰
۲	ایجاد یا اداره کارهای یک هیأت عزاداری و یا فعالیت در آن	۷/۹	۲۴/۶	۳۷/۵	۲۱/۳	۱/۷	۷/۱	۲/۹۴	۰/۰۰۰
۳	شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی و هنری	۰/۸	۴/۶	۷/۱	۲۰/۱	۲۴/۷	۴۲/۷	۱/۰۹	۰/۰۰۰
۴	حضور در مراسم ازدواج یا ترحیم	۲۵/۵	۴۰/۶	۲۷/۶	۴/۲	۱/۷	۰/۴	۳/۸۳	۰/۰۰۰
۵	راه‌اندازی یا عضویت در صندوق قرض‌الحسنه در روستا	۵/۹	۱/۷	۲۳	۴/۲	۱/۳	۶۴	۱/۱۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

یافته‌های پژوهش در زمینه‌ی بررسی میزان مشارکت مذهبی و انقلابی زنان روستایی بیانگر این مطلب است که میزان مشارکت مذهبی و انقلابی آنان متوسط است. همان طور که مشاهده می‌شود شرکت زنان در هیأت‌ها و روضه‌ها، جشن‌های مذهبی، کارهای خیریه و کمک به نیازمندان روستا در حد زیاد و بیش از سایر گویه‌ها است.

بر اساس جدول ۹ بررسی میزان مشارکت اقتصادی زنان روستایی نشان می‌دهد زنان حجم نمونه به میزان زیاد در فعالیتهای کشاورزی و به میزان متوسط در فعالیتهای دامداری خانواده شرکت دارند. از سوی دیگر مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای خدماتی و به ویژه مشاغل دولتی و اداری در سطح بسیار نازلی قرار دارد، به نحوی که حضور زنان در این عرصه‌ها را می‌توان نادیده انگاشت. بر اساس آزمون کای اسکوئر تیپ پیرسون ضریب معنی‌داری برای گویه‌های مربوط به متغیر مشارکت زنان روستایی در سطح ۹۹٪ ارزیابی شده است

تحلیل ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و انواع مشارکت زنان روستایی - نتایج پژوهش
بر اساس جدول ۱۰ نشان دهنده‌ی ارتباط معنی‌دار و مثبت بین سرمایه‌ی اجتماعی و انواع مشارکت (به استثنای مشارکت سیاسی که مقدار ضریب معنی‌داری بیش از ۰/۰۵ است) در بین زنان روستایی وجود دارد.

جدول (۹) بررسی مشارکت زنان روستایی در فعالیتهای اقتصادی

ردیف	گویه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	بسیار کم	اصلاً	میانگین وزنی	#کای اسکوئر
۱	شرکت در فعالیتهای کشاورزی خانواده	۳۷/۱	۱۷/۵	۹/۶	۵/۸	۱/۷	۲۸/۳	۲/۹۷	۰/۰۰۰
۲	شرکت و کمک در فعالیتهای دامداری خانواده	۲۲/۲	۸/۴	۶/۷	۱۵/۹	۵	۴۱/۸	۲/۰۱	۰/۰۰۰
۳	شرکت در فعالیتهای صنایع دستی	۲/۹	۱/۷	۳/۳	۷/۱	۷/۱	۷۷/۸	۰/۵۳	۰/۰۰۰
۴	شرکت در مشاغل دولتی و اداری	۴/۲	۰	۰/۸	۱/۷	۰	۹۳/۳	۰/۲۷	۰/۰۰۰
۵	شرکت در مشاغل خصوصی	۱/۳	۰	۲/۵	۲/۱	۰	۹۴/۱	۰/۱۸	۰/۰۰۰
۶	شرکت در فعالیتهای کارگری	۸/۴	۱/۷	۰	۱/۷	۰/۴	۸۷/۹	۰/۵۲	۰/۰۰۰
۷	شرکت در فعالیتهای خیاطی و آرایشگری و مغازه داری	۱۰/۸	۲/۹	۰/۸	۵/۸	۴/۲	۷۵/۴	۰/۸۳	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

جدول (۱۰) رسی ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و انواع مشارکت

انواع مشارکت	مقدار ضریب همبستگی پیرسون	P-value	نتیجه آزمون	تحلیل
سیاسی	-۰/۰۰۸	۰/۹۰۱	پذیرش فرضیه صفر	-
مدنی	۰/۲۳۵	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری بین مشارکت مدنی و سرمایه اجتماعی وجود دارد.
محلی	۰/۲۶۹	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری بین مشارکت محلی و سرمایه اجتماعی وجود دارد.
مذهبی و انقلابی	۰/۲۱۰	۰/۰۰۱	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری بین مشارکت مذهبی و انقلابی و سرمایه اجتماعی وجود دارد.
اقتصادی	۰/۲۸۶	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر	ارتباط معنی‌داری بین مشارکت اقتصادی و سرمایه اجتماعی وجود دارد.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

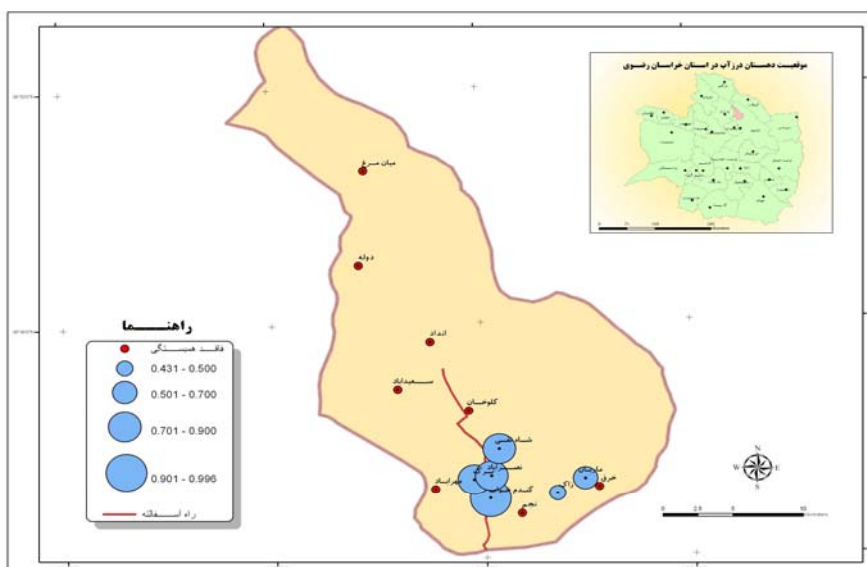
میزان همبستگی بین سرمایه‌ی اجتماعی و انواع مشارکت در جامعه‌ی زنان روستایی دارای همبستگی ناقص و مستقیم با ضریب ۰/۳۲۴ می‌باشد، یعنی هرچه سرمایه‌ی اجتماعی در جوامع روستایی بالاتر باشد، امکان مشارکت زنان در انواع فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر خواهد بود.

تحلیل فضایی ارتباط بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت زنان روستایی - از یافته‌های پژوهش بر اساس جدول ۱۱ می‌توان نتیجه گرفت که بین مشارکت و سرمایه اجتماعی در روستاهای نصرآباد، ماریان، زاگ، برگ، گندم خواب و شاه‌تقی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همبستگی مورد اشاره در این روستاها مستقیم و نزدیک به کامل است، بدین معنا که با افزایش میزان سرمایه اجتماعی زنان، میزان مشارکت آنان در این روستاها افزایش می‌یابد. بنابراین در توزیع فضایی ارتباط سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت زنان روستایی از بین ۱۴ روستای مورد مطالعه، حداقل در شش روستا (عمدتاً روستاهای دشتی) رابطه‌ی قوی و مثبت مشاهده شده است.

جدول (۱۱) ررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان روستایی

نام روستا	مقدار ضریب همبستگی	مقدار احتمال آزمون	نتیجه آزمون	تحلیل
سعیدآباد	۰/۳۵۷	۰/۳۰۴	پذیرش فرضیه صفر	-
نصرآباد	۰/۸۴۷	۰/۰۱۶	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است.
مهرآباد	۰/۰۵۸	۰/۹۲۶	پذیرش فرضیه صفر	-
ماریان	۰/۶۷۴	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است.
زاک	۰/۴۳۱	۰/۰۰۱	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است.
انداد	-۰/۳۵۸	۰/۰۷۳	پذیرش فرضیه صفر	-
دوله	-۰/۰۴۷	۰/۸۰۷	پذیرش فرضیه صفر	-
میان مرغ	-۰/۱۱۸	۰/۸۰۱	پذیرش فرضیه صفر	-
برگ	۰/۸۶۰	۰/۰۰۶	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است.
کلوخی	-۰/۳۱۱	۰/۴۵۳	پذیرش فرضیه صفر	-
گندم خواب	۰/۹۹۶	۰/۰۰۰	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است.
نجم	-۱/۰۰۰	-	پذیرش فرضیه صفر	-
خرق	-۰/۱۸۴	۰/۵۸۸	پذیرش فرضیه صفر	-
شاه تقی	۰/۷۲۶	۰/۰۱۱	رد فرضیه صفر آزمون	ارتباط معنی دار است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹



شکل (۱) توزیع فضایی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت زنان روستایی

بررسی میزان اثرگذاری سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت زنان روستایی - در این پژوهش برای تعیین سهم نسبی متغیرهای مستقل (عوامل مؤثر بر مشارکت زنان روستایی) در متغیر وابسته (مشارکت زنان روستایی) از روش رگرسیون گام به گام استفاده شده است. در این روش متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته دارد، ابتدا وارد مدل می‌شود و متغیرهای دیگر دوباره برای ورود به مدل مورد بررسی قرار می‌گیرند (فیروزجانیان، ۱۳۸۷: ۱۰۴). با توجه به نتایج به دست آمده برای مدل با عرض از مبدا و بدون آن مشاهده می‌شود که با حذف ضریب ثابت (عرض از مبدا) از مدل، ضریب همبستگی و ضریب تعیین به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. بنابراین مدل بدون عرض از مبدا را به عنوان مدل مناسب در نظر می‌گیریم.

جدول (۱۲) مدل مناسب رگرسیون برای تحلیل

P-value	آماره آزمون	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل رگرسیون
۰/۰۰	۲۹/۷۴	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۵۳	مدل با عرض از مبدا
۰/۰۰	۱۱۴۴/۹۵	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۸	مدل بدون عرض از مبدا

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

ضریب تعیین در این مدل برابر ۰/۹۷ می‌باشد که نشان می‌دهد مدل رگرسیون با ۵ متغیر عوامل مربوط به سرمایه اجتماعی، عوامل سازمانی، عوامل فردی، عوامل اقتصادی و عوامل قانونی به تنهایی حدود ۹۷٪ از کل تغییرات را توجیه می‌کند و مابقی سهم سایر متغیرهاست. به عبارت دیگر این ضریب بیانگر آن است که حدود ۹۷٪ از واریانس یا پراکندگی متغیر مشارکت زنان در توسعه روستایی توسط متغیرهای مستقل موجود در مدل تجربی تحقیق تبیین می‌گردد و بقیه واریانس یا پراکندگی، توسط متغیرهایی تبیین می‌شود که در مدل ما وارد نشده است. در کل این ضریب تعیین نشان می‌دهد معادله ما از قدرت پیش‌بینی مناسبی برخوردار است. ضرایب متغیرهای مستقل معنی‌دار در مدل ارائه شده است.

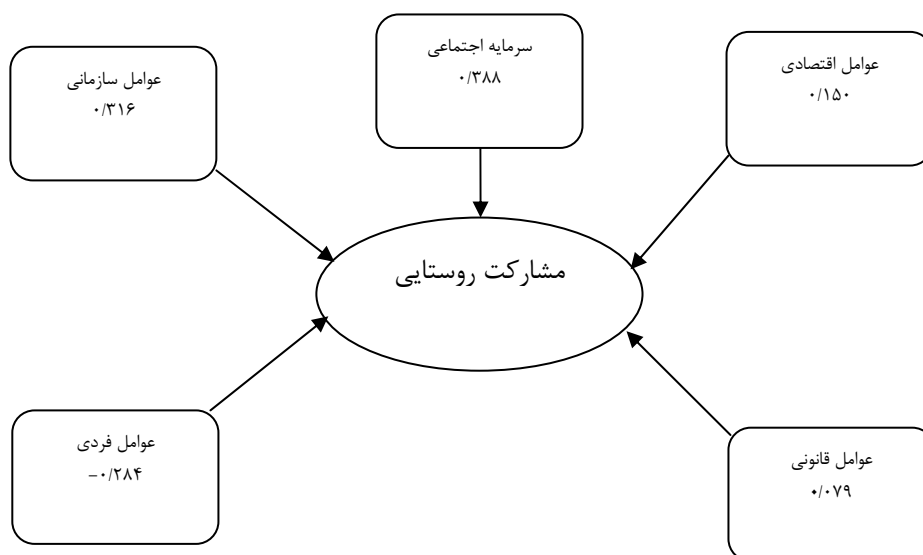
جدول (۱۳) ایب رگرسیون برای بررسی تأثیر معیارها بر سطح مشارکت و تعیین اهمیت نسبی آنها

متغیرهای مستقل	ضرایب (β)	خطای استاندارد	ضرایب استاندارد شده	آماره t	پی مقدار
عوامل مربوط به سرمایه اجتماعی	۰/۳۸۸	۰/۰۵۹	۰/۶۱۰	۶/۶۱۹	۰/۰۰۰
عوامل اقتصادی	۰/۱۵۰	۰/۰۳۰	۰/۲۲۷	۵/۰۶۶	۰/۰۰۰
عوامل سازمانی	۰/۳۱۶	۰/۰۴۶	۰/۳۷۲	۶/۸۱۴	۰/۰۰۰
عوامل قانونی	۰/۰۷۹	۰/۰۱۷	۰/۱۹۱	۴/۷۳۱	۰/۰۰۰
عوامل فردی	-۰/۲۸۴	۰/۰۶۲	-۰/۳۹۷	-۴/۵۵۵	۰/۰۰۰

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۸۹

نتایج حاصل نشان می‌دهد معیار سرمایه‌ی اجتماعی با ضریب تعیین (R^2) ۰/۳۸۸، بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت داشته است، به طوری که ۳۸/۸ درصد از تغییرات مشارکت را تبیین می‌کند از بین متغیرهای تبیین‌گر مؤثر در مشارکت زنان در فرایند توسعه روستایی در این پژوهش، به ترتیب عوامل مربوط به سرمایه اجتماعی ($\beta=0/388$) عوامل سازمانی ($\beta=0/316$)، عوامل فردی ($\beta=-0/284$)، عوامل اقتصادی ($\beta=0/150$) و عوامل قانونی ($\beta=0/079$) تأثیر گذار می‌باشند. بر این اساس، متغیر سرمایه اجتماعی قوی‌ترین پیش‌بینی کننده‌ی میزان مشارکت زنان است. به عبارت واضح‌تر، هرچه زنان از سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آنان افزایش خواهد یافت. در این میان، متغیر عوامل فردی دارای تأثیر منفی بر مشارکت می‌باشد. به عبارتی هر چه زنان از ویژگی‌های مثبت فردی کمتری برخوردار باشند، میزان مشارکت آنان بیشتر خواهد بود. در حالی که با افزایش ویژگی‌های مثبت سرمایه اجتماعی، سازمانی، اقتصادی و قانونی، مشارکت زنان افزایش می‌یابد. با توجه به اینکه متغیرهای مستقل عوامل فرهنگی و دسترسی در مدل وارد نشده اند. بنابراین می‌توان گفت (با توجه به ویژگی رگرسیون گام به گام) این متغیرها در مدل معنی دار نبوده اند. بنابراین مدل به صورت زیر در می‌آید:

$$\text{مشارکت کل} = 0/388 (\text{عوامل مربوط به سرمایه اجتماعی}) + 0/150 (\text{عوامل اقتصادی}) + 0/316 (\text{عوامل سازمانی}) + 0/079 (\text{عوامل قانونی}) - 0/284 (\text{عوامل فردی})$$



شکل (۲) اهمیت نسبی معیارهای تأثیرگذار بر میزان مشارکت بر اساس مقادیر استاندارد شده بنا

نتیجه گیری و ارائه‌ی پیشنهادات

مروری کلی به مراحل تحقیق نشان می‌دهد برای پاسخ به این سؤال که سرمایه‌ی اجتماعی در شکل‌گیری انواع مشارکت زنان در نواحی روستایی مؤثر بوده است؟ با توجه به کارگیری مدل طراحی شده در روستاهای نمونه مشخص شد که رابطه مثبت و مستقیمی میان سرمایه‌ی اجتماعی و شکل‌گیری انواع مشارکت زنان در جوامع روستایی وجود دارد. نتیجه‌ای که از این روابط حاصل شد، نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ای دو سویه و مستقیم میان دو متغیر ذکر شده است به طوری که در صورت افزایش یا کاهش سطح هر یک از متغیرها شاهد سیر صعودی یا نزولی متغیر دیگر خواهیم بود بنابراین می‌توان گفت: هر اندازه سطح سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ای بالاتر باشد به همان نسبت شاهد افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های گوناگون در جوامع روستایی خواهیم بود و بالعکس. در بین انواع پنج‌گانه‌ی مشارکت فقط بین مشارکت سیاسی و سرمایه‌ی اجتماعی رابطه‌ی معناداری در سطح منطقه‌ی مورد مطالعه مشاهده نشده است، زیرا در کشور ما و به ویژه در جامعه‌ی زنان روستایی مشارکت سیاسی به صورت توده‌ای انجام شده و کمتر مبتنی بر انگاره‌های سرمایه‌ی اجتماعی است. در بین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انواع

مشارکت زنان روستایی، سرمایه‌ی اجتماعی بیشترین نقش را در تبیین و شکل‌گیری انواع مشارکت ایفا می‌نماید. به طوری که با تبیین بیش از ۳۸/۸ درصد تغییرات مهم‌ترین نقش را دارا می‌باشد.

از سوی دیگر نتایج حاصل از مطالعه‌ی روابط بین سرمایه‌ی اجتماعی و مشارکت زنان در فعالیت‌ها مختلف در سطح روستاها بیانگر این مطلب است که روستاهای واقع در مناطق دشتی و نزدیک‌تر به شهر مشهد که از سرمایه‌ی اجتماعی بالاتری برخوردارند، رابطه‌ی خطی و مستقیمی بین سرمایه‌ی و انواع مشارکت زنان روستایی وجود دارد. مثال‌های موردی در این زمینه روستاهای گندم‌خواب، زاک، ماریان و... است. در پایان به منظور بررسی فرضیه‌ی تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. با توجه به نتایج بدست آمده از این آزمون مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد که از ۰/۰۵ کمتر است. بنابراین فرضیه صفر آزمون مبنی بر عدم وجود ارتباط معنی‌دار بین متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و انواع مشارکت زنان روستایی رد می‌شود و با توجه به وجود ضریب همبستگی ۰/۳۲۴ بر نقش سرمایه‌ی اجتماعی در شکل‌گیری انواع مشارکت در جامعه‌ی زنان روستایی صحه گذاشته می‌شود. بنابراین سرمایه‌ی اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری انواع مشارکت در بین زنان روستایی محسوب می‌شود.

مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی جهت بهبود افزایش سرمایه اجتماعی روستاییان عبارتند از:

- با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل مؤثر در مشارکت‌پذیری زنان روستایی، با استفاده از آزمون رگرسیون انجام شده سرمایه اجتماعی جوامع روستایی است بنابراین تجهیز و سرمایه‌گذاری در امور اقتصادی روستاها به عنوان زیرساخت نقش مهمی در ارتقای سرمایه اجتماعی خواهد داشت.

- تأمین آموزش برای زنان و دختران نقش مهمی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی دارد. زیرا آموزش نه تنها برای خود آن‌ها مفید است بلکه تأثیر زیادی بر سلامت کل خانواده آن‌ها دارد و آن‌ها را آماده می‌سازد تا از مزیت کسب فرصت‌های آتی بهره‌مند شوند. منظور از آموزش، صرفاً آموزش رسمی نیست.

- تشکیل بانک اطلاعاتی در ارتباط با شناسایی قابلیت‌های فردی، اقتصادی، فرهنگی و... زنان روستایی و سنجش میزان مشارکت آنان.

- تعیین متولی دقیق برای اداره روستاهای کشور و ساماندهی رسیدگی به مشکلات زنان روستایی.

- تقویت سرمایه اجتماعی زنان روستایی با افزایش میزان اعتماد اجتماعی آنان، ارتقای آگاهی‌های آنان نسبت به حقوق، توانمندی‌ها و استعدادهای خود و مزایای مشارکت در جامعه از طریق آموزش و رسانه‌های گروهی و بسترسازی جهت ایجاد و تقویت تشکل‌ها و نهادهای مدنی در روستا.
- ارتقای فرهنگی جامعه به سوی پذیرش مشارکت همه جانبه زنان در فرایند توسعه روستایی.
- تدوین طرح‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی بر اساس نیازها و اولویت‌های زنان روستایی و تشویق آنان به مشارکت در این طرح‌ها و رفع موانع قانونی و وضع قوانین حمایتی از زنان در جهت جلب مشارکت آنان در فرایند توسعه.
- تقویت منابع محلی از طریق تشویق زنان جهت حضور در عرصه‌های مدیریتی روستا و فراهم نمودن زمینه‌های دستیابی زنان به تسهیلات مالی و اعتباری.
- تقویت بنیه اقتصادی خانوارهای روستایی و احتساب کار خانگی زنان و سهم آنان از درآمد خانوار در تولید ناخالص ملی و ارائه آن در آمارهای رسمی به همراه فراهم نمودن زمینه‌های خود اشتغالی برای زنان روستایی.
- با توجه به اینکه بعضی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در فضاهای روستایی از اندازه مناسبی برخوردار نیست ارتقای سطح آن با اهرم‌های مناسب در اولویت‌های برنامه ریزی توسعه روستایی قرار گیرد.

منابع و ماخذ

۱. استانداری خراسان رضوی، (۱۳۸۹) آخرین وضعیت تقسیمات کشوری شهرستان مشهد.
۲. امیری اردکانی، محمد (۱۳۸۵) موانع مشارکت زنان روستایی در برنامه‌های ترویجی، ماهنامه جهاد، سال ۲۶، شماره ۲۷۲.
۳. آجیلی، عبدالعظیم و شیرینی. شهناز (۱۳۸۰) آموزش زنان روستایی و نقش آن در توسعه فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی، نشریه دهاتی، سال ۱۸، شماره ۵۱.
۴. بی‌نام، (۱۳۶۵) مشارکت مردمی، مجله جهاد، سال ششم، شماره ۸۹.

۵. بیرو، آلن (۱۳۶۶) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، انتشارات کیهان، تهران.
۶. جمعه‌پور، محمود (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی: دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت.
۷. خانی، فضیله و احمدی، منیژه (۱۳۸۸) تبیین عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی - اجتماعی در مناطق روستایی، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴، صص ۹۵-۱۱۳.
۸. خلیلی، محسن (۱۳۸۶) آسیب‌شناسی مشارکت زنان در جامعه معاصر ایران، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۵/ شماره ۲، پاییز ۱۳۸۶، صص ۱۸۶-۱۶۵.
۹. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳) مقدمه‌ای بر برنامه ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس: تهران.
۱۰. سریع‌القلم، محمود (۱۳۶۸) فرهنگ و توسعه جهان سوم، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال سوم، شماره ششم.
۱۱. شادی‌طلب، ژاله، (۱۳۸۱) توسعه و چالش‌های زنان ایران، نشر قطره: تهران.
۱۲. شاطری، پرستو (۱۳۸۷) زمینه‌ها، تنگناها و موانع مشارکت زنان در توسعه»، <http://www.bpdanesh.ir>
۱۳. صفری شالی، رضا (۱۳۸۷) عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با میزان مشارکت زنان روستایی در امور و مسائل خانوادگی و اجتماعی، مجله‌ی زن در توسعه و سیاست، شماره‌ی ۲۰، صص ۱۱۸-۱۰۵.
۱۴. فیروزجائیان، علی‌اصغر و جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷) تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، دو فصلنامه علوم اجتماعی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجم، شماره ۱، صص ۱۰۹-۸۳.
۱۵. قلفی، محمد وحید (۱۳۷۸) توانا سازی زنان در فرایند توسعه روستایی، فصلنامه مسکن، شماره ۸۷، صص ۴۷-۳۸.
۱۶. کتابی، محمود، یزدخواستی. بهجت و فرخی راستایی. زهرا (۱۳۸۲) توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۱، شماره ۷، پاییز ۱۳۸۲.

۱۷. کلانتری، خلیل (۱۳۸۲) سنجش سطح توسعه‌ی روستایی در شهرستان تربت حیدیه، ۷۹-۱۳۶۵، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۴، صص ۴۱-۵۴.
۱۸. میر حیدر، دره (۱۳۷۹) هویت‌های فرهنگی و روند جهانی شدن، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا، مشهد، دانشگاه فردوسی.
۱۹. میرترابی. مهدیه سادات، حجازی. یوسف و حسینی. سید محمود (۱۳۸۹) عامل‌های ارتباطی تاثیرگذار بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت‌های پس از برداشت محصولات کشاورزی بخش آسارا، کرج، مجله‌ی زن و جامعه، سال اول، شماره‌ی ۴، صص ۱۹-۳۲.

Damisa, M. A. and Yohanna, M. (2007), "*Role of rural women in farm management decision making process*". World Journal of Agricultural Sciences 3 (4): 543-546.

Hoque, M. and Itohara, Y. (2008), "*Participation and decision making role of rural women in economic activities: A comparative study for members and non-members of the micro-credit organizations in Bangladesh*". Journal of Social Sciences 4(3): 229-236.

Azahari, D. H. (2008), "*Indonesian rural women: The role in agricultural development*". Analisis kebijakan Pertanian. 6 (1): 1-10.